

آينه

جهان من ایران است

● **استاد محمدرضا شجریان:** من به‌عنوان کسی که در این جامعه زندگی می‌کنم، برای دل مردمم می‌خوانم. وقتی مردم دردی دارند من باید از درد دل آنها بگویم. والا چه چیزی دارم بگویم؟ من باید مطابق دل شنونده‌ام کاری انجام دهم. اگر شنونده من خوشحال است، من هم خوشحالم و موسیقی شاد ارائه می‌کنم. اگر ناراحت است، مطابق حال او کار ارائه می‌دهم. من کار اجتماعی انجام می‌دهم، کار سیاسی نمی‌کنم. کار من اجتماعی است و از درد اجتماع می‌گویم. گاهی به خود اجتماع باید تذکر بدهیم و بگویم اشتباه می‌کنید و گاهی دولت دارد در مورد مردم اشتباه می‌کند؛ ما می‌گوییم که اشتباه نکن و مردم چیز دیگری می‌خواهند. این کار یک تذکر است. مثل یک روحانی که روی منبر دارد تذکری می‌دهد، به مردم می‌گوید این کار را نکنید، این کار سیاسی نیست. اما اگر مردمی را دور هم جمع کنیم و حزبی تشکیل دهیم؛ وقتی یازگیری می‌کنید و می‌خواهید به قدرتی برسید و یک ایدئولوژی را پیاده کنید، این می‌شود کار سیاسی. من نه یازگیری کردم، نه کنفرانس برای عده‌ای گذاشتم که کاری انجام دهیم. اگر این کارها را می‌کردم می‌شد سیاسی. من کاری هم که می‌کنم، برای مردمی است که با هر اعتقادی که دارند زندگی می‌کنند/ شما فرض کنید هر نظامی؛ مثلاً در نظام جمهوری اسلامی که همه آن را پذیرفتند، یک آدمی می‌آید یک کار اشتباهی می‌کند. ما به او تذکر می‌دهیم. این تذکر دلیل آن نیست که با نظام جمهوریت مخالفیم. این آدم اشتباهی کرده و دروغی گفته است، به او تذکری می‌دهیم. یا وقتی به یک نفر می‌گوییم تو حق توھین‌کردن به مردم را نداری، این درافتادن با کل نظام نیست. عده‌ای می‌خواهند سوءاستفاده کنند که چون این شخص به وزیر یا رئیس‌جمهور گفته این کار را اشتباه انجام دادی، پس این آدم با اصل جمهوری مخالف است که این سستم است/ ربن‌ا را در سال ۵۸ برای مردمی خواندم که با یک اخلاصی روزه می‌گیرند و نزدیک افطار حال‌وهوای خاصی دارند و در واقع یک مناجات برای آن‌تهاس/ همه فکر می‌کردن من صبح تا شب در تلوپیز خون‌پایه‌ام و برای آنها کار می‌کنم. اینها سبب شد برای دکتر لاریجانی نامه‌ای بنویسم و در آن نامه عنوان کردم که ما با خون دل، این هنر را به اینجا رسانده‌ایم. این نوارها را با خون دل تهیه کرده‌ایم. شما اجازه پخش اینها را به تغییراتی که در آنها داده‌اید، ندارید و از ایشان خواستم که دستور بدهند این نوارها پخش نشود. ضمناً در سال ۵۶ نیز به دلیل ابتدایی که در پخش موسیقی در رادیو و تلویزیون آن زمان انجام می‌شد، نامه‌ای به مدیر تلویزیون وقت نوشتم و از او خواستم که دیگر کارهای من و صدایم را پخش نکنند. من همیشه با هر مبتذل مخالف بوده و هستم/ ربن‌ا متعلق به من هم نیست. متعلق به مردم است. جزء زندگی و عواطف مردم است و هیچ‌کس حق ندارد آن را از مردم بگیرد. من که صاحب این اثر هستم و در واقع آن را خلق کردم هم می‌گویم متعلق به مردم است. من ربن‌ا را هرگز از مردم دریغ نکردم. حالا اگر اقتضای سیاست است که صدای من را به هیچ صوتی پخش نکنند، خودشان می‌دانند ولی دروغ نگویند که ربن‌ا من نگذاشته‌ام پخش کنند.

کیم

انتقام از ام‌ام (ره) روایت ۲ مشاور امنیتی آمریکا

محمد ایمانی: چگونه می‌شود یک عنصر هتاک به امام خمینی در ماجرای فتنه که از کشور گریخته و نامه سرگشاده به سران فتنه نوشته و امام را متهم به دیکتاتوری و… کرده، بی‌سروصدا برگردد و مدیر کل مرکز اسناد دانشگاه آزاد شود و در زمره مشاوران خاص‌الخاص یک مقام ارشد نظام در آید و در ملاقات هیئات پارلمانی ایتالیا حضور پیدا کند؟ و چه اتفاقی می‌افتد که روزنامه زنجیرهای شرق ۲۴ مرداد ۱۳۹۴ با وقاحت درباره همین رجل سیاسی می‌نویسد «اهمیت آقای… در اعلام ختم دوره انقلاب است. او اولین دولت پس‌انقلابی را تأسیس کرد و کسانی را که آمادگی روحی دوره جدید را نداشتند، کنار گذاشت و شکاف تاریخی در انقلاب به وجود آورد. او انقلابی در دل انقلاب سامان داد. از همین‌جا واگرایی آغاز شد، اهمیت او در ایجاد شکاف بین دو دوره است». تلقی یا تلقین اینکه انقلاب محدود به برکناری رژیم پهلوی بود و کم‌رن‌نگردن تدریجی شعارهای «عدالت، مبارزه با فساد و انشراقی‌گری، استقلال و انزجار و عدم تبعیت از شیطان بزرگ، حمایت از محرومان و مظلومان و مستضعفان و اجرای احکام اسلامی» آسیبی بود که دامن برخی سیاستمداران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان را گرفت و از همین تنگه غفلت یا خستگی یا آلودگی بود که کشور و ملت و انقلاب آسیب دیدند.

ایران

جهان من ایران است

این روزها که حامیان‌ش برای بازگشتش لحظه‌شماری می‌کنند و حتی از دیدگاه برخی، تنها گزینه بدیل جریان اصولگرایی است، مرور کردیم چگونه برآمدنش را، چگونه احمدی‌نژادشدنش را؛ اینکه چطور استاندار ناشناخته هاشمی‌رفسنجانی که در سفر او به اردبیل، برایش سنگ تمام گذاشته بود، توانست خود را در نقطه مقابل هاشمی تعریف کند؟ شاکای روزنامه سلام که در کنار هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم به رقابت با اصلاح‌طلبان برخاسته بود، چه شد که بر رئیس پیشین شورید؟ او ناشناخته‌ترین عضو فهرست ۳۰نفره ائتلاف خط امام و رهبری در رقابت‌های مجلس ششم، با کد انتخاباتی ۰۴۱ بود که از قضا کمترین میزان آرای آن فهرست را هم به خود اختصاص داد؛ اما برخلاف رئیس پیشین که رجحان را در انصراف دید، احمدی‌نژاد شکایت‌کردن را انتخاب کرد. او که به‌دلیل بی‌اقبال‌ی مردم به اصولگرایان رای نیاورده بود، مدعی شد در صندوقی که خود داوطلب و بستگانش رای داده‌اند، رای آنها صفر خوانده شده است. اصولگرایان چطور از یک نامزد بی‌اقبال و ناشناخته، یک کاندیدای بالقوه ریاست‌جمهوری ساختند؟ چطور استانداری که در ماجرای سوآپ نفت اردبیل حاشیه‌هایی داشت و برای همین هم وزارت اطلاعات دولت اصلاحات او را برای شهرداشدن تأیید نمی‌کرد، در دو سال به نماد عدالت و فسادستیزی بدل شد و چطور فردی با آن پیشینه حضور در ارکان قدرت، خود را برخاسته از متن مردم، در برابر صاحبان قدرت تعریف کرد؟

احمدی‌نژاد چهار سال استاندار اردبیل بود و در ساختار دولت هاشمی چنان خدمات خوبی از خود نشان داد که سه سال پیاپی استاندار نمونه کشور شد. اگر آن تقدیرنامه‌ها را هنوز نگه داشته باشد، احتمالاً اعضای هاشمی‌رفسنجانی یا وزیر کشور منصوب او پای آن خودنمایی می‌کند. با آمدن دولت اصلاحات تا سال ۸۲ که شهردار شد، هیچ سمت دولتی‌ای نداشت و صرفاً به کار تدریس در دانشگاه علم و صنعت می‌پرداخت، اگرچه عضو جامعه اسلامی مهندسی‌ن بود و در جلساتشان شرکت می‌کرد.

اما ناواصلگرایی‌انی با عنوان «آبادگران ایران اسلامی» آمدند و شورای شهر دوم را به دست گرفتند، احمدی‌نژاد ناگهان کشف شد. محسن کوهنک، رئیس واحد سیاسی جبهه پیروان امام و رهبری، گفته است: «احمدی‌نژاد با تمهیدات آقای ناظمی شهردار شد و افرادی مانند آقای باهنر و لاریجانی از او حمایت کردند تا ایشان بتواند شهردار تهران شود». محمدرضا باهنر نخستین نفری بود که به گفته خودش ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد را پیش‌بینی کرد. او در جمع اعضای فعال دفاتر جامعه اسلامی دانشجویان درباره شهرداری‌شکری شهردارشدن احمدی‌نژاد ۲۵ تا ۲۶ سال است. در شورای شهر دوم – در دولت خامی – اصولگراها پیروز شدند، ما چند گزینه داشتیم که یکی از آنها احمدی‌نژاد بود. آقای پونسی، وزیر اطلاعات، به ما پیغام داد دنبال شهردارشدن احمدی‌نژاد نباشید. من پیش آقای پونسی رفتم و به او اکتهم وزارت اطلاعاتی که ملک‌مدنی از آن عبور کند و احمدی‌نژاد گیر کند، باید در اصل آن وزارت اطلاعات تجدید نظر کرد. بعد هم گفتم آقای پونسی به خودت و دوستان و رئیس‌جمهور بگو، اگر می‌خواهید غصه شهرداری احمدی‌نژاد را بخورید، نخورید. شهرداری دست‌گرمی است، احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ماست، شاید بنده اولین نفر در خلقت بودم که رئیس‌جمهوری احمدی‌نژاد را پیش‌بینی کردم، دو سال بیشتر ساکن ساختمان بهشت نبود، اما حضور رسانه‌ای و شهری که بهمدد رسانه‌های همسو پیدا کرد، به اندازه‌ای بود که او را بالاخره به پاس‌تور رساند. هنوز یک سال از آمدنش به ساختمان بلدیة نگذشته بود که سایات رویداد در مطلبی به نقل از منابع نزدیک به شوراهای هماهنگی نیروهای انقلاب نوشت: «برخی… می‌کوشند نظر مقامات عالی کشور را به کاندیداتوری احمدی‌نژاد، شهردار تهران، جلب کنند و افرادی نظیر علی لاریجانی، علی‌اکبر ولایتی و حسن روحانی را از عرصه خارج کنند». رویداد در ادامه نوشت: بود طیف خاصی در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب درصدد است با اقدامات تبلیغی برای پیروزی احمدی‌نژاد بررقبای احتمالی (ریاست‌جمهوری] سرمایه‌گذاری کند.

کیم

انتقام از ام‌ام (ره) روایت ۲ مشاور امنیتی آمریکا
محمد ایمانی: چگونه می‌شود یک عنصر هتاک به امام خمینی در ماجرای فتنه که از کشور گریخته و نامه سرگشاده به سران فتنه نوشته و امام را متهم به دیکتاتوری و… کرده، بی‌سروصدا برگردد و مدیر کل مرکز اسناد دانشگاه آزاد شود و در زمره مشاوران خاص‌الخاص یک مقام ارشد نظام در آید و در ملاقات هیئات پارلمانی ایتالیا حضور پیدا کند؟ و چه اتفاقی می‌افتد که روزنامه زنجیرهای شرق ۲۴ مرداد ۱۳۹۴ با وقاحت درباره همین رجل سیاسی می‌نویسد «اهمیت آقای… در اعلام ختم دوره انقلاب است. او اولین دولت پس‌انقلابی را تأسیس کرد و کسانی را که آمادگی روحی دوره جدید را نداشتند، کنار گذاشت و شکاف تاریخی در انقلاب به وجود آورد. او انقلابی در دل انقلاب سامان داد. از همین‌جا واگرایی آغاز شد، اهمیت او در ایجاد شکاف بین دو دوره است». تلقی یا تلقین اینکه انقلاب محدود به برکناری رژیم پهلوی بود و کم‌رن‌نگردن تدریجی شعارهای «عدالت، مبارزه با فساد و انشراقی‌گری، استقلال و انزجار و عدم تبعیت از شیطان بزرگ، حمایت از محرومان و مظلومان و مستضعفان و اجرای احکام اسلامی» آسیبی بود که دامن برخی سیاستمداران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان را گرفت و از همین تنگه غفلت یا خستگی یا آلودگی بود که کشور و ملت و انقلاب آسیب دیدند.

سیاست

راه طی شده از «بهشت» تا «پاستور»

احمدی‌نژاد چگونه احمدی‌نژاد شد

مهسا جزینی



عکس: سامان قوامی، ایستنا

ما درحال‌حاضر جزء ۱۰کشوری هستیم که توربین‌های نیروگاهی می‌سازیم. همان روز آقای احمدی‌نژاد بل هوایی میدان هفت تیر را افتتاح کردند. هزینه این بل حدود ۴۰۰ میلیون به نرخ آن روز بود. در توربین‌های نیروگاه حدود ۲۰۰ میلیارد به نرخ آن روز هزینه شده بود. صدواسیم‌ا چه رویکردی نسبت به این دو خبر داشت؟ در همان روز در هفت برنامه، خبر افتتاح بل به‌عنوان دومین خبر پخش شد. درحالی‌که در آن شب دهمین خبر در ساعت ۱۲شب، خبر افتتاح توربین‌سازی بود. شما این پیام‌رسانی را چگونه می‌بینید؟. شاید اگر تیمی مسئول رصد برنامه‌های صدواسیم‌ا در آن دوسال بود، می‌توانست ده‌ها مورد دیگر هم به این مثال اضافه کند و نقش زیرپوستی صدواسیم‌ا در برجسته‌سازی اقدامات احمدی‌نژاد را به‌خوبی تحلیل کند و حتی روی نمودار و گراف برود. پروپاگاندا۱ رسانه‌های اصولگرا در خدمت نشان‌دادن احمدی‌نژاد و بزرگ‌کردن عملکردش باعث شد او ناخودآگاه با مهم‌ترین شهردار تهران تا آن زمان مقایسه شود؛ با کرباسچی. سایت «رویداد» نظرسنجی‌ای را که از آرسوی یکی از سازمان‌های دولتی انجام شده بود، منتشرکرد که نشان می‌داد محبوبیت احمدی‌نژاد در نزد شهروندان تهرانی ۱۴ درصد است اما کرباسچی همچنان ۵۶ درصد محبوبیت دارد. کیهان، رسالت، جوان، فارس و صداسیم‌ا و جریان‌های سیاسی اصولگرا برایش سنگ‌تمام گذاشتند. انتقادی که در کار نبود هیچ، در برابر رزنامۀ هم به دفاع از احمدی‌نژاد برمی‌خاستند. مثلاً حمیدرضا ترقی، عضو شورای مرکزی مؤتلفه، در جواب مطلبی که سایت آفتاب‌نیوز منتشر کرده بود، نوشته بود: «موضع ما و مؤتلفه نسبت به شهردار موفق و رجایی‌گونه تهران مشخص است و این‌گونه برداشت‌های مغرضانه رقبا از ارادت طرفین نمی‌کاهد».

وقتی هم که احمد پورنجانی، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، در مقام دفاع از عملکرد ۱۰ سال گذشته شهرداری تهران نامه‌ای خطاب به احمدی‌نژاد نوشت و از نبود دید کلان و ملی در نگاه شهرداری انتقاد کرد، این کیهان بود که به مدد شهردار آمد و با زیرسؤال‌بردن اقدامات شهرداری در دوران قبل مانند احداث خانه هنرمندان، اهدای ملک به انجمن مجسمه‌سازان و همین‌طور حاتم‌بخشی توصیف‌کردن احداث موزه تاولی، نوشته بود: «همان بهتر که شهردار فعلی دید کلان و ملی نداشته باشد و اصولاً چرا مردم تهران باید متقبل هزینه‌هایی‌شوند که برعهده آنها نیست و براساس کدام منطق قابل فهم باید از شهرداری یک شهر دید کلان و ملی توقع داشت درحالی‌که آن شهر درگیر هزاران مشکل است و دولت هم کمترین احساس مسئولیتی نمی‌کند». کیهان در ادامه همچنان به تمجید از شهرداری ادامه می‌دهد و می‌نویسد: «شهرداری از محل صرفه‌جویی و یافتن منابع جدید کسب درآمد توانسته خدمات ارزشمند و قابل‌توجهی در مدت کوتاه پنج ماه انجام دهد و طرح‌های مهمی با ادامه ساخت بزرگراه‌ها و پل‌ها و آسفالت‌های خیابان‌ها انجام دهد». کیهان درادامه روی سخن خود را به



هنوز یک سال از آمدنش به ساختمان بلدیة نگذشته بود که سایت رویداد به نقل از منابع نزدیک به شوراهای هماهنگی نیروهای انقلاب نوشت: «برخی… می‌کوشند نظر مقامات عالی کشور را به کاندیداتوری احمدی‌نژاد، جلب کنند و افرادی نظیر علی لاریجانی، علی‌اکبر ولایتی و حسن روحانی را از عرصه خارج کنند.طیف خاصی در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب درصدد است با اقدامات تبلیغی برای پیروزی احمدی‌نژاد بر رقبای احتمالی [ریاست‌جمهوری] سرمایه‌گذاری کند».

احمدی‌نژاد می‌کند و می‌نویسد: «شما و همکارانتان باید راهی را که شروع کرده‌اید با جدیت ادامه دهید و مردم را دست‌کم نگیرید. مردم با وجود دروغ‌پرازی‌هایی که علیه شهرداری و دست‌اندرکاران آن صورت می‌گیرد آنچه را حق است از باطل تمیز می‌دهند، به این جوسازی‌های کاذب بی‌توجه باشید و سمت‌وسوی حرکت خود را گم نکنید».

به نام کوی به کام احمدی‌نژاد

روزنامه «جوان» همان زمان در گزارشی تمام‌صفحه از تصمیم شهرداری مبنی بر بازسازی کوی دانشگاه نوشت؛ مطلبی که صرفاً یک گزارش ساده شهری نبود. رپرتاژی تمام‌عیار و عیان برای احمدی‌نژاد بود بدون اینکه عنوان «گزارش ویژه» یا سرکلشبه «ریترات» در آن درج شود. جوان تیتُر زد: «شهردار تهران پس از ۶۰ سال به کوی دانشگاه می‌رود، سفر خوش آقای شهردار» در متن این گزارش آمده بود: «کاری که آقای شهردار شروع کردند بسیار ارزشمند است. نه مسئولان دانشگاه و نه مدیران شهرداری هرگز فکر نمی‌کردند که دکتر احمدی‌نژاد تا این اندازه برای رفع مشکلات و کاستی‌ها اشتیاق نشان دهد، برای همین پروژه بازسازی کوی این‌قدر صورتی‌جادی به خود گرفته که مسئولان کوی در حاشیه نشسته تماشاگر اقدامات شهرداری شدند. برخی

ایران

جهان من ایران است

می‌داد. سال دوم شهرداری‌اش در گردهمایی سالانه جوامع اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور، از طیف اصولگرا در اصفهان حاضر شد و از عدالت حرف زد و گفت ۸۵ درصد از صنعت در دست دولت است و دولت نمی‌تواند آن را به درستی اداره کند، اگر بخواییم عدالت اجرا شود باید مدل فصلی اداره کشور را تغییر داد. قبل از اینکه فاطمه رجبی عنوان معجزه‌هزاره سوم را درباره‌اش به کار ببرد، خودش آن را به زبان آورده بود اما خطاب به بسج، یک سال از شهردارشدنش گذشته بود که در دیدار با برگزیدگان المپiad علمی بسج گفت: کشور نیازمند معجزه‌هزاره سوم جوانان ایرانی است.

شهرداری در برابر دولت واصلاح‌طلبان

اختلافات شهرداری با دولت هم به نفع احمدی‌نژاد بود. نقاط عطف این روایوبی، اختلاف بر سر انتقال نمایشگاه بین‌المللی تهران، ماجرای منوریل و باشگاه اندیشه، پلمپ ساختمان‌های اداره‌های مالیات به علت بدهی و ممانعت از تبلیغات فیلم‌های سینمایی بود. به نظر می‌رسید احمدی‌نژاد بر این روایوبی اصرار می‌ورزید و رسانه‌ای‌شدن آن را به نفع خود در درازمدت ارزیابی می‌کرد. برای مخالفت‌های خود هم استدلال می‌تراشید. استدلال‌هایی که تا پیش از آن در دوران شهرداران قبلی وجود نداشت. مثلاً در برابر تبلیغات فیلم‌های سینمایی مقاومت می‌کرد و می‌گفت همه تبلیغاتِ روی تابلوها باید تابع مقررات باشد و این مقررat در اختیار سازمان زیباسازی شهر تهران و حیطه وظایف شهرداری است. در ماجرای تعطیلی باشگاه اندیشه هم که زیر نظر بنیاد شهید، قدوسی اداره می‌شد، شهرداری ادعا می‌کرد به علت نیاز مالی می‌خواهد آن را پس بگیرد؛ درحالی‌که مسئولان بنیاد قدوسی معتقد بودند برخورد شهرداری به علت اختلاف فکری با موضوع سیاسی است. ساختمان را سال ۷۶، کرباسچی به این بنیاد داده بود و محل گردهمایی «ان‌جی‌او»، استادان دانشگاه و صاحب‌نظران بود. موسوی، دبیر باشگاه اندیشه، گفته بود ما حتی درخواست خرید ملک را مطرح کرده‌ایم، اما شهرداری جواب رد می‌دهد و غرضی پنهان برای تعطیلی یا محدودکردن این مرکز فرهنگی وجود دارد. درگیری بین شهرداری و بنیاد قدوسی منجر به ورود دولت شد تاجایی‌که خامنی به ماجرا ورود کرد و نامه‌ای به احمدی‌نژاد نوشت. این داستان را اگر در کنار داستان دیگری که به موازات هم در جریان بود، قرار دهیم؛ آن وقت مشخص می‌شود حرف شهرداری درست بوده یا مدیر باشگاه اندیشه و آبا شهرداری مستقل عمل می‌کرده یا جناحی؟ داستان دوم این بود که در همان روزها نامه‌ای سراسر سیاس خطاب به احمدی‌نژاد ۱۷ تهران (تیرماه ۸۳)، منسوب به احمدی‌نژاد در یکی از روزنامه‌های اصولگرا منتشر شد که در آن آمده بود: «آثار اینار و شعاع اندیشه سخاوتمان در این منطقه پیداست». تشکر فرهنگیان از احمدی‌نژاد بابت این بود که مالک مدارس رضوان، عترت، زبینه و مهدوک طغیه دستور تخلیه گرفته بود اما شهرداری ورود می‌دهد و دستور پیگیری و خرید ملک را صادر می‌کند. شهرداری که در ماجرای تصرف باشگاه اندیشه، انگیزه خود را نیاز مالی عنوان کرده بود در همان زمان دستور خرید ملک را می‌دهد. کافی بود حرکتی با انتقادی از سوی رئیس اصلاح‌طلب دولت سر می‌زد؛ احمدی‌نژاد منتظر نمی‌ماند و پاسخی می‌داد. دو ماه مانده به رقابت‌های انتخاباتی سال۸۴، محمد خامنی از وضعیت ترافیک در شهر تهران گلایه کرد؛ شهردار تهران به سرعت پاسخ داد: «معلّششدن رئیس‌جمهور محترم در ترافیک تهران مایه تأسف است، اما مایه خوشحالی هم هست، چون این اتفاق تلخ می‌تواند منشأ خیر باشد. چنانچه ایشان در سه ماه فرصت باقی‌مانده از مأموریت خود در اتخاذ تصمیمات کارساز، شهرداری تهران را در رفع معضل پیچیده ترافیک تهران باری رساند. اگر رئیس‌جمهوری به دستگاه‌های اجرائی تحت امر خود توصیه فرماید تا در برابر تصمیمات و سیاست‌های حوزه مدیریت شهری و شورای شهر درزمینه حمل‌ونقل و ترافیک مقاومت نکنند به‌خصوص که حل معضل ترافیک و حمل‌ونقل تهران به‌تهایی از عهده شهرداری تهران خارج است. در یک سال و ۱۱ ماه اخیرکه مدیریت شهری را عهده‌دار شدیم آنچه از دستمان برآمده انجام دادیم، منتهی از رئیس‌جمهور تقاضا داریم در این فرصت باقی‌مانده را از باز کنند تا قظار شهری با سرعت بیشتری اجرا شود. اتوبوس به اندازه کافی به ناوگان حمل‌ونقل عمومی وارد شود تا ما ناچار نباشیم برای تحویل‌گرفتن تنها ۵۰۰ دستگاه اتوبوس ماه‌ها پشت درهای بسته معطل بمانیم». این سخن شهردار توسط صدواسیم‌ا به‌طور وسیع پوشش خبری پیدا کرد.

هرچه منجرین از رئیس‌جمهوری خواست تا مجموعه دستگاه‌های اجرایی را وادار تـا در بازپرداخت بدهی‌های چندمیلیاردی خود به شهرداری تهران که سال‌هاست به تعویق افتاده است، تعجیل کند.

سیاسی‌کاری

هرچه احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی برخوردار بود بعداً در موضع منتقد، منکر این پبینه همراهی و حمایت شد. مثلاً در واکنش به مصاحبه لاریجانی با خبرگزاری فارس در سال ۹۱ گفت: «من مصاحبه ایشان را دیدم و متأسفم که با یک خبرگزاری وابسته به نهاد نظامی و هم‌ه‌اش علیه دولت (مصاحبه‌اش است)…»

دولت احمدی‌نژاد از دولت اصلاحات انتقاد داشت، نعل‌به‌نعل بعداً درباره دولت خودش با ابعاد وسیع‌تری پیاده شد و برعکس اگر در دوران شهرداری‌اش از همراهی پیدا و پنهان جریان‌هایی